



• پنج‌شنبه ۲۴ خرداد ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۶۴

حدیث روز

امام صادق(ع): تمامیت روزه، به دادن زکات (فطریه) است، همچنان که تمامیت نماز به صلوات بر پیامبر(ص) است زیرا اگر کسی روزه بگیرد و زکات فطره را عموماً ندهد از روزه بی بهره است.

من لا يحضره الفقیه

ذکر روز پنج‌شنبه

صد مرتبه «لا اله الا...الملك

الحق المبين»

ذکر روز جمعه

صد مرتبه «اللهم صل علی محمد وآل محمد»

در محضر بزرگان

تبدیل گناه به ثواب توسط خداوند

مر حوم علامه طباطبایی در باره رفع آثار گناه فرموده اند: «تبدیل سیئات به حسنات به معنای تبدیل آثار است. گناه، آن اثری است که با ارتکاب نهی خدا در نفس ایجاد شده و در آن باقی می ماند و نیز تا ذات کسی شقی یا آمیخته به شقاوت نباشد، هر گز مرتکب عمل زشت و گناه نمی شود. گناه و اعمال زشت از آثار شقاوت و خیانت ذات آدمی است. حال اگر چنین ذاتی یا توبه؛ ایمان و عمل صالح تبدیل به ذاتی شد؛ لازمه این تبدیل این است که آثاری هم که در سابق داشت به نام گناه، با مغفرت و رحمت خدا مبدل به آثاری شود که با نفس پاک و طیب متناسب باشد و آن این است که عنوان گناه از آن برداشته شود و عنوان حسنه و ثواب به خود بگیرد.» سایت تبیان

حکایت

خانه بدون عیب و نقص

یکی از پادشاهان کاخی ساخت که از حیث وسعت و معماری، استحکام، زیبایی و تزیینات بی نظیر بود. روزی فرمان داد بزرگان قوم را دعوت کند تا از آنان پرسند: آیا این کاخ عیبی دارد یا نه؟! هیچ کس عیبی به نظرش نرسید تا این که عارف زاهدی گفت: «این کاخ دو عیب بزرگ دارد: اول این که سرانجام خراب می شود و دوم این که صاحب اش خواهد مرد.» پادشاه پرسید: «مگر خانه ای پیدا می شود که این دو عیب را نداشته باشد؟» زاهد گفت: «آری، خانه آخرت!»

بریده کتاب

وقتش نگذرد

هر حرفی را می شود گفت. فقط شروعش مهم است، اولین کلمه را که بگویی باقی اش می آید. منظور چیزی است که نباید گفته شود. چیزی که زمانش گذشته است. هر زمانی داستان های خودش را دارد و اگر بگذاری زمانش بگذرد، بهتر است هیچ وقت در باره اش حرف نزنی. هر چیزی زمان خودش را دارد، وقتش که بگذرد مناسبتش را از دست می دهد.

بر گرفته از «قلبی به این سپیدی» اثر خابیر ماریاس

اندکی صبر

انتظار...

محبوبه یزما را

شبی ستاره چشمش ظهور خواهد کرد
مرا غریب این کوچه دور خواهد کرد
طلوع می کند از سمت آسمان مردی
نگاه پنجره را غرق نور خواهد کرد

دانستنی های جام جهانی

بعد از مدت ها انتظار روز های پر هیجان جام جهانی از راه رسید. این روز ها خیلی از ما دوست داشتیم در روسیه باشیم و از همان جاتیم کشورمان را تشویق کنیم اما باز هم می توانیم از همین جایک هوادار دو آتشه تیم ملی باشیم. پیشنهاد می کنیم برای یک بار هم که شده کمی هزینه کنید و یک بست هواداری تیم ملی را تهیه کنید تا تماشا ی مسابقات تیم



پرچم؛ برای هواداران متعصب!

از ۱۰ هزار تومان به بالا

پرچم کشور عزیزمان که امیدواریم بعد از پیروزی و در شادی های بعد از آن استفاده کنیم سباز ها و هزینه های مختلفی دارد. قیمت یک پرچم متوسط در حدود ۱۰ هزار تومان است.



عینک آفتابی؛ برای طرفداران دو آتشه!

از ۲۸ هزار تومان به بالا

اگر می خواهید برای بازی های تیم مان، بیشتر حاضر شوید می توانید عینک های آفتابی را با حداقل پرداخت ۲۸ هزار تومان تهیه کنید. خوبی این عینک ها این است که به درد شادی بعد از گل در زیر آفتاب هم می خور د!

با خانمان

کم کن اون بی صاحب رو

زهرافریا طنزپرداز



شما تا به حال دیدین توی خیابون بگن: «آقا چقدر صدای ضبط ماشینت زیاده، با من از دواج می کنی؟» من که ندیدم. البته من کلا ندیدم کسی توی خیابون یهو بیاد بگه آقا یا خانوم با من از دواج کن. (برای خودمم که تابلویه اتفاق نیفتاده و گر نه الان به جای دغدغه های به دختر مجرد، باد دغدغه های یک خانم متاهل در خدمت تون بودم) اما تصور می کنم اگه همچنین رسمی بود، بازم به صدای ضبط ماشین ربطی نداشت. اصلا مثال بدی زدم. ولی جدی چرا صدای ضبط ماشین تون رو زیاد می کنین و تا سه نصفه شب با شیشه های پایین، با هاش ویراژ می دین؟

تسام کیس های از دواج، من جمله خودم، اون ساعت خوابین. (یا دارن فیلم می بینن) تازه از خواب می برن و یا گلچینی از مزخرف ترین آهنگ های موجود در بازار مواجه می شن و می فهمن نه تنها راننده شعور نداره، بلکه سلیقه هم نداره و اگه قیافه نداشته باشه دیگه هیچ کدوم از فاکتور های از دواج رو نداره. (نمی دونم چرا هر چی می خوام بحث رو به یه سمت دیگه

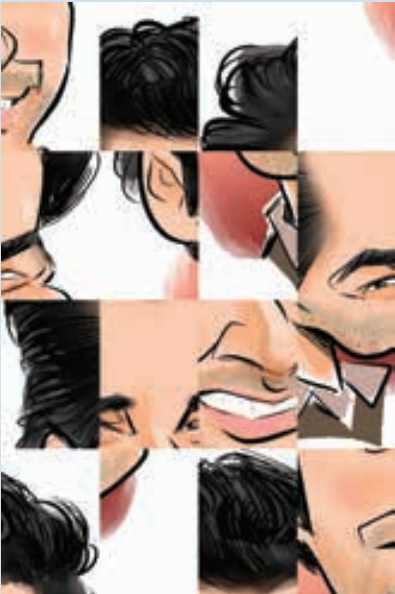
ببرم، دوباره از منظر از دواج به قضیه نگاه می شه) آخره راننده گرامی، راننده محترم، راننده قشنگ، راننده خالی... شما نمی گی مردم مریض دارن، اذیت می شن، خوابین یا دارن فیلم ترسناک می بینن و با موزیک تودو متر از جایی برن؟ می دونین این کار دقیقا شبیه چیه؟ دقیقا مثل «آهن آلات، آهن ضایعات، آب گرم کنتننرینن، خریداریم» صبح جمعه ساعت هشته. آهن چی شد؟ الان که صداتون رو با صدای بلند گوی و انت مقایسه کردم، ممکنه برین توی اتاق و به کار های بدتون فکر کنین؟ آفرین همینه. لایه لای فکر هاتون در باره ایندو از دواج و اینا تصمیم خاصی نگیرید تا توی مطلب ستون های بعدی بگم چیکار کنین که کیس از دواج بشین!



مسابقه این کیه؟

نگیم دیگه...!

سلام. برای مسابقه این هفته یک چهره... نگم براتون... نگم! یعنی رو نشناسه؟ مخصوصا با این اتفاقی که براش افتاد... نگم دیگه... نگم! یعنی انتظار داریم رکورد دپامکو و یسککینن تو مسابقه، ببینیم چه می کنین با این دل دیوانه!



یادآوری روش مسابقه:

شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته چاپ شده کیه واسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا جمعه برای ما به شماره ۲۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رویک شنبه همین جا می بینید. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه کشی می کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و کاریکاتور برنده رو پنج شنبه هفته بعد با مسابقه بعدی، همین جا خواهیم دید. خوش باشین همیشه.

هواداری دو آتشه چقدر هزینه دارد؟

ملی را برای خود و خانواده تان خاطره انگیز کنید. برای این که از چند و چون قیمت ها و هزینه های تهیه ست هواداری تیم ملی سر در بیاوریم با «محمد اکرائی» یکی از فروشندگان لوازم ورزشی تماس گرفتیم و بعد هم به چند فروشگاه اینترنتی سری زدیم. نتایج آن را در پایین بخوانید.



کلاه منگوله دار؛ برای هواداران پر هیجان!

از ۱۰ هزار تومان به بالا
کلاه منگوله دار سباز ها و هزینه های مختلفی دارد. شمامی توانید کلاه هایی با سباز بزرگ تر را با هزینه بیشتری تهیه کنید. اما خرید کلاه منگوله دار حداقل ۱۰ هزار تومان برای تان آب می خورد.



دستبند و مچ بند؛ برای هواداران جوان و پر شور!

قیمت: حداقل ۵ هزار تومان
دستبند انواع مختلفی دارد. بنابراین برای تهیه هر کدام باید هزینه متفاوتی را بپردازید. اما برای خرید انواع دستبند و مچ بند حداقل باید ۵ هزار تومان در جیب تان داشته باشید.



رنگ ماتیکایی صورت؛ برای طرفداران متفاوت!

حداقل ۲۰ هزار تومان
برای آن که روی صورت تان پرچم سه رنگ کشورمان را بکشید می توانید از پرچسب یا ماتیک های سه رنگ استفاده کنید. اگر مالیلید که با ماتیک کار تان راه بیندازید حداقل ۲۰ هزار تومان باید هزینه کنید.



کلاه لبه دار؛ برای طرفداران پر حرارت!

۲۰ تا ۳۰ هزار تومان
کلاه آفتابی را در طول تابستان و مخصوصا این روز ها که تب جام جهانی داغ است، می توانید استفاده کنید. برای این که این کلاه ها را تهیه کنید باید مبلغی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان هزینه کنید.



شیپور؛ برای هواداران پر سرو صدا!

از ۱۲ هزار تومان به بالا
اگر بخواهید شیپور های استادیومی و بزرگ تهیه کنید باید بیشتر از این هزینه کنید. اما شیپور های متوسطی را که در خانه و بار عایت حال دیگران بتوانیم استفاده کنیم با هزینه حداقل ۱۲ هزار تومان می توانیم بخریم.



شورت و پیراهن؛ برای هواداران شبیه تیم شان!

از ۳۸ هزار تومان به بالا
اگر بخواهید جنس اورجینال و برند آن را بخرید باید هزینه بیشتری بپردازید اما در حالت کلی اگر بخواهید شورت و پیراهن های تیم ملی را تهیه کنید حداقل ۴۰ هزار تومان باید هزینه کنید. البته پیراهن برای بچه ها از ۲۵ هزار تومان شروع می شود.

دور دنیا

سامورایی های و وظیفه شناس



پرونده های مجهول

پرونده های مجهول

افسانه هیولای لاک نس (قسمت اول)

فاطمه قاسمی مترجم

شاید داستان غول دریاچه لاک نس یا همان هیولایی را که از نیم قرن قبل، روایت های مختلفی از دیده شدن آن توسط مردم عادی گزارش شده است، شنیده باشید. ده ها عکس از این موجود غول پیکر منتشر شده است بدون آن که واقعی بودن آن ها ۱۰۰ درصد به اثبات برسد. اما به تازگی دانشمندان عزم شان را جزم کرده اند تا واقعیت را کشف کنند.

دریاچه نس (Lake Ness) که در زبان بومی به آن لاک نسس (Loch Ness) می گویند، در شمال اسکاتلند است. عمق این دریاچه حدود ۱۵۰ متر است و در عمیق ترین نقطه به ۲۵۰ متر می رسد. اطراف این دریاچه همیشه مه آلود است و به همین دلیل، امکان دیدن قسمت های زیر آب در حالت عادی وجود ندارد. پژوهشگرانی که در باره نسی تحقیق کرده اند، می گویند در کتاب های تاریخی اسکاتلند مطالبی درباره یک جانور آبی غول پیکر وجود دارد که بومی ها تصاویری از آن را روی تخته سنگ های کنار دریاچه حکاکی کرده اند. البته اکنون به دلیل گذر زمان، خیلی از آن ها از بین رفته اند و تشخیص شان مشکل است. بعد از ساخته شدن جاده ای ساحلی در حاشیه دریاچه نس در سال ۱۹۳۳، ناگهان تعداد افرادی که ادعا می کردند غول دریاچه را دیده اند به سرعت افزایش یافت.



نخستین عکس از هیولا در سال ۱۹۳۳ گرفته شد. عکاس نتوانسته بود از سر نسی عکس بگیرد و تنها بخشی از پشت این حیوان در عکس مشخص بود. او مدعی بود که از حر کا فیدم حیوان در زیر آب می شد فهمید که خیلی غول پیکر است. عکس های دیگری هم از این موجود منتشر شد که بعضی از آن ها تکیذ و مشخص شد جعلی بوده اند. حتی ردپاهایی روی قالب های گچی ساحل دریاچه نیز ثبت شدند که گروهی معتقد بودند شاید متعلق به یک اسب آبی بزرگ باشد. تمام این موضوعات باعث شد تا وجود نسی در اذهان عمومی کم رنگ شود تا این که چندی پیش مصاحبه ای که «سیمون دینسدال»، کارآگاه پلیس سابق انگلیس انجام داد و فیلمی دو دقیقه ای درباره این حیوان غول پیکر را که پدرش ۵۰ سال پیش گرفته بود ارائه کرد، جرعه جنجال گسترده ای را زد و بار دیگر نام این هیولا را بر سر زبان ها انداخت. سایه ای مبهم در فیلم وجود دارد که سیمون هم به آن اشاره می کند و می گوید: این همان هیولای لاک نس است. پدر سیمون، تام دینسدال که یک مهندس پرواز بود و بعد ها به شکار چی نسی مشهور شد، ۵۰ سال قبل نتوانسته بود فیلمی دو دقیقه ای از نسی بگیرد که در آن زمان و حتی اکنون به عنوان کامل ترین سند وجود این غول دریایی به شمار می رود. پدر سیمون در یادداشت های خود این چنین نوشته است: «کنار دریاچه مشغول قدم زدن بودم. ناگهان موجودی عظیم الجثه را دیدم که در حال شنا کردن در دریاچه بود. رنگ قهوه ای مسی داشت و حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر از بدنش از آب بیرون بود. طولش به یک و نیم تا دو متر می رسید و تقریباً اندازه یک قایق بود. چیزی شبیه کوهان یا باله که از آب کاملاً بیرون بود و به وضوح دیده می شد. شو که شده بودم اما به سرعت دور بین خود را درآوردم و از آن فیلم گرفتم.» (ادامه دارد)

این مطلب را می توانید در کانال تلگرامی ما دنبال کنید

کله جغوقی

آق کمال بر نامه یزی می کند

آق کمال ا همه کاره و هیچ کاره



یعنی موهنوز تو کُفم که چی جوری سحری تا خرتناق بخوُرم که از ظُهر گشنه نُرُم و از افطار تا سحر چند گالن آب سر بی کشیم تا فرداش تشنه نُرُم و هر روز به خودم قول مدم که از فردا بچه خوبی بُرُم، ولی ز دو ماه مرصون تموم رفت! از اول ماه عیال مگفت همکار اته افطار دعوت کن، رفتم خانه شان، ز شته، باید پس بدم. مگفتم چشم، کی بگمشان! مگفت: «تر جیحا پنج شنبه بگو که تعطیلم و به کارم می رسم.» اولین پنج شنبه که اول ماه بود و تا آمدم به خودمان بجنیم ر بناره گفتن. دومی هم خودم تا سحر سر کار بودم، سومی هم شب عید بود و آقام اینا دعوت مان کرده بودن، چهار می شب قدر بود و ماند آخرین پنج شنبه. شکر خدا که در کل ماه کلا چهار جا افطار دعوت، رفتم که دو جاش خانه آقام و آقای کاملیا خانم بود.

نصف شب نشسته بودم پای بر نامه ۲۰۱۸ عادل فردوسی پور و جعبه زولبیا ای وُرُم و لیوان چای و شربت اوُرُم که عیال گفت: «این پنج شنبه همکارات رو بگو دیگه! ماه تموم شد.» گفتم: «اوخ اوخ راست مگی!» گوشه ره ور داشتم و پیام دادم بهشان. گفت: «این موقع شب؟» گفتم: «همه شان پای همی برنامه یَن الان.» «دو دقیقه نگذشته بود که دینگ و دونگ، یکی یکی پیام دادن که «حالا باعث زحمت نمشم ولی چون اصرار در ی جشششم» و استیکر اوکی و خنده و... به عیال پیام ها ره نشون دادم و گفتم بیا! یعنی نذاشتن فرداش بشه، همه شان همو نصف شبی با کمال میل موافقت کردن مار ه داخل ثواب کنن.

عیال جوش به دلش افتاد. گفتم: «جوش نزن، یگ شله ای، حلیمی، چیزی می گیرُم، تو نیم ماقوت و فرنی بذار با نون پنیر و خرما و خلاص.» گفت ز شته. گفتم: «مو خودم تورو ز نامه هی مگم تجملات ره کنار بذارن، واز خودم بر عکسشه بکنُم؟ خیلی هم مقبوله.» عیال که آروم گیر یفته بود، گفت: «فقط ممکنه شب عید باشه و قضیه فطریه و...» انا حالا خوب رفت! برق از سُرُم پرید، گفتم: «شب آخر ماهه؟ یَره شب ختم جلسه مانه که...» عیال با چنان غیظی نگام کرد که خواب از سُرُم پرید. گفت: «بیا! یک کاری رو به تو سپردم. بیست نفر آدم رو نصف شبی دعوت کردی، حالا یادت اومده که خودت نیستی؟» به من مربوط نیست، خودت می دونی و دوست هات و جلسه تون! فقط خدا مدنه که با چی رویی به تک تک شان پیام دادم و عذر خواستم و گفتم ایشالا پنج شنبه بعدی شام در خدمتم. بماند که چی متلک هایی بهم انداختن که تا حالا تو عُمُر م نشنیده بودم. عیال هم هنوز از گوشه چشمش بهم نگاه مکنه، با ای بر نامه یزیم! ایم از ای.